

یادی از آسیاب‌های مشهد قدیم که نان مردم در گرو چرخیدن آن‌ها بود

«نهر نادری» و خاطره‌های آبی خراب‌شده



مشهد و ساخت آسیاب‌ها در عصر صفوی

از آسیاب‌های قدیمی مشهد نه‌تنها اثری باقی نمانده است که نشانشان حتی در عکس‌های سیاه و سفید گذشته هم پیدا نیست. از وجود آسیاب در ارض اقدس، تنها به نام یک کوچه در بالاخیابان می‌رسیم؛ کوچه «سراسیاب» که می‌تواند گواهی بر وجود این تأسیسات در محلات مشهد باشد. برابر اسناد باقی‌مانده، این آسیاب‌ها در دوره قاجار و پهلوی با تکیه بر آب جاری قنات‌ها، نهرها و رودخانه‌های فصلی و بندها می‌چرخیده‌اند؛ بند‌های مختلفی مانند «بندگلستان»، «بند طرق»، «کشف‌رود» و «نهر خیابان» (نهر نادری) وظیفه‌گرداندن سنگ آسیاب‌های شهر را که به آن‌ها «طاحونه» هم می‌گفتند، بر عهده داشتند. بر همین اساس هم طاحونه‌های مشهد بیشتر در حاشیه طرق، نهرخیابان و کشف‌رود قرار گرفته بودند. قدیمی‌ترین گزارش باقی‌مانده از وجود آسیاب در مشهد اما به دوره صفویه باز می‌گردد. در کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد» آمده است که مهم‌ترین طاحونه‌های مشهد در عصر صفوی زیربند طرق قرار داشتند که طاحونه‌های «میرشیخم»، «میرعلی شبر» و «کلوخ» برخی از آن‌ها بوده‌اند. همچنین چرخ طاحونه‌های «باغو»، «میرزاابراهیم‌رضوی» و «کیود حمام» در عصر صفوی هم با آب منشعب از رودخانه کشف‌رود می‌چرخید.

آسیاب گم‌شده «فرنگیس بیگم»

جالب است بدانید، برخی از آسیاب‌های نهر خیابان موقوفه بودند و تعدادی هم به‌صورت شخصی کار می‌کردند. یکی از این آسیاب‌های موقوفه که نزدیک دروازه بالاخیابان قرار داشت، آسیاب «فرنگیس‌بیگم» بود که درآمد آن صرف امور حرم مطهر امام‌رضا^ع می‌شد؛ فرنگیس‌بیگم، واقف این آسیاب، هم برابر اسناد دختر علاءالدین سید حسین بن رفیع‌الدین، از فقها و سادات مشهور دوران شاه عباس صفوی بود که طاهرا آسیاب وقفی‌اش دو تنوره یا سنگ، برای آسیاب کردن گندم و جو داشت. این مسئله نشان می‌دهد فشار آب نهر خیابان در آن دوره، آن‌قدر بالا بوده که می‌توانسته است دو سنگ را بگرداند. بااین‌حال، خشک‌سالی‌های پیاپی در خراسان دوره قاجار، فعالیت آسیاب فرنگیس‌بیگم را هم مانند دیگر آسیاب‌ها با مشکل روبه‌رو کرد. آن‌چنان که این آسیاب اوایل دهه ۱۳۰۰ خورشیدی، به بهانه تعریض خیابان تخریب شد و حالا دیگر نشانی از آن وجود ندارد.

پس از آسیاب فرنگی قرار است یک نوع آسیاب دیگر به نام «آسیاب آتشی» هم در دوره پهلوی اول به مشهد بیاید. دلیل اصلی ورود این نوع آسیاب، زمستان، وجود سرمای شدید و یخ‌زدن آب نهرهاست. ماجرا از این‌قرار شدید و یخ‌زدن آب نهرهاست. اما چرا از این‌قرار قرار است که در سال ۱۳۱۸ خورشیدی، فردی به نام معاون‌التجار با کمک تجار روسی، تصمیم می‌گیرد یک آسیاب را که با آتش و سوخت کار می‌کند از فرنگ به مشهد بیاورد. تجار روس این آسیاب را به روسیه می‌آورند. سپس معاون‌التجار عبدالرسول نامی را به روسیه می‌فرستد تا آن را تحویل بگیرد و به‌مقصد برساند اما گزارشی از رسیدن آن به ارض اقدس در دست نیست. پس از آسیاب آتشی، یک آسیاب دودی هم در مشهد ساخته می‌شود اما این آسیاب اقبال عمومی را به همراه ندارد. دلایلش هم کثیفی و سروصدای بسیار این آسیاب‌است که در گزارش‌های برجای‌مانده آن چنان بوده که به چند خانه در اطراف خودش آسیب زده بوده است.

طاحونه‌هایی که روی نهر نادری بودند

حالا بیایید به مشهد صد سال پیش برگردیم؛ به روزگاری که آب نهر نادری از وسط شهر می‌گذشت و بسته به وضعیت آب‌وهوایی در بعضی فصل‌ها پرآب و در ماه‌هایی هم کم‌آب بود؛ این‌آب، چرخ آسیاب‌های بسیاری را در قلب مشهد می‌چرخانده که برابر اسناد، تعدادشان به‌شانزده عدد می‌رسیده است.

سیدمهدی سیدی در کتاب «خیابان و آب خیابان مشهد» حجم خروجی آب این نهر خیابان را در بعضی فصول سال ۱۵۰ زوج آب نوشته که بسیار زیاد است. ناگفته نماند که در همین دوران هم بیشتر آسیاب‌های مشهد، بیرون باروی شهر قرار داشتند اما باتوجه‌به خوب بودن سرعت و حجم آب در ابتدای بالاخیابان، تعدادی از آسیاب‌ها را داخل شهر و البته در بخش‌های غربی‌تر بالاخیابان ساخته بودند. متأسفانه این آسیاب‌ها را در روزگار پهلوی اول و در زمان نیابت تولیت محمدولی‌خان اسدی خراب کردند و روی نهر را هم برای همیشه پوشانند. عمر آسیاب‌های آبی اگرچه در اینجا و پس از پوشانده شدن نهر نادری تمام شد اما آخرین آسیاب آبی مشهد، معروف به آسیاب آبی «میلانی» که به آن آسیاب «میرزاعبد...» هم می‌گفتند، تا سال ۱۳۲۸ خورشیدی به حیات خودش ادامه داد. این آسیاب که در خارج از دروازه خیابان علیا قرار داشت، نزدیک‌ترین آسیاب آبی به مشهد بود که گویا کیفیت آرد آن بسیار بیشتر از آسیاب‌های آبی از نوع فرنگی بود.

آسیاب عصر مظفری روی «نهر نادری»

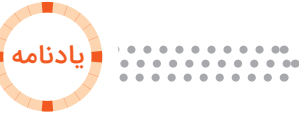
اما بیشتر آسیاب‌هایی که در دوره قاجار روی نهر نادری کار می‌کردند، آسیاب‌هایی موسوم به «فرنگی» بودند که در دوره مظفالدین‌شاه باب‌شدند. اولین آسیاب فرنگی مشهد را که بر روی نهر خیابان ساخته شد باید هدیه تجار قفقازی به مردم مشهد دانست؛ این آسیاب که سال ۱۲۷۹ خورشیدی با صرف ۲ هزار تومان ساخته شد، متأسفانه عمر چندانی نداشت و چرخش به‌خاطر مشکلاتی که بعدها بر سر حق مالکیت آب نهر خیابان به وجود آمد، از چرخش باز ایستاد. آسیاب تجار قفقازی، در مدت کوتاه عمرش توانسته بود با آرد کردن روزی چهل خروار گندم، مشکل کمبود آرد در ارض اقدس را کم کند. گویا دومین آسیاب فرنگی را هم «محمدرضاصدیق‌الدوله» متولی باشی آستان قدس در ۱۵ شعبان ۱۲۱۷ خورشیدی می‌خرد و وقف آستان قدس‌رضوی می‌کند. آسیاب صدیق‌الدوله هم روی نهر خیابان (نهر نادری) قرار داشته و می‌توانسته است در هر شبانه‌روز بیست خروار گندم* آرد کند. تا پیش از این، آسیاب دیگری در نزدیکی مشهد نبوده و این نبود آسیاب در مرکز شهر. اسباب زحمت مردم بوده است. برای نمونه روزنامه «دولت‌علیه ایران» در سال ۱۲۷۷ قمری می‌نویسد: «سه دزد به طاحونه قریه معین‌آباد در سه فرسخی شهر [مشهد] رفتند و سه نفر از رعایا که هر یک مقداری گندم جهت آرد کردن به آنجا برده بودند، خفته دیدند، پس آن‌ها را کشتند و گندم‌هایشان را برداشتند و فرار کردند.»



نمای دیگری از نهر نادری

آسیاب «جعفر قلی‌خان»، مهم‌ترین طاحونه مشهد

در اسناد قاجاری آستان‌قدس اما نام یک آسیاب با توضیح «طاحونه شهر مشهد» بسیار تکرار شده است که نشان می‌دهد این آسیاب مهم‌ترین آسیاب شهر بوده و آن را به عنوان اصلی‌ترین منبع تولید آرد در شهر می‌شناخته‌اند؛ طاحونه شهر مشهد، آسیابی است که «جعفرقلی‌خان میرشکارباشی» از رجال مشهور دوره صفویه آن را در سال ۱۰۲۵ خورشیدی (یا به‌قولی دیگر در سال ۱۰۹۲ خورشیدی) در ابتدای بالاخیابان ساخته و درآمد حاصل از آن را صرف دارالشفای حضرتی کرده بود. آسیاب جعفرقلی‌خان هم به بهانه گسترش خیابان مشهد تخریب شد. خرابه‌های این آسیاب تا سال ۱۳۱۱ خورشیدی وجود داشت، اما در این سال آن را به‌طور کامل خراب کردند و اثری از آن بر جا نماند. قصه آسیاب‌های مشهد اما با ایجاد نخستین کارخانه تولید آرد توسط عبدالجواد بادکوبه‌ای (از مستأجران برق آستان‌قدس) و سپس پاگرفتن کارخانه آرد سرخوش برای همیشه نه‌تنها از زندگی مردم که از خاطره مشهدی‌های هم‌پاک شد.



بزرگان «میرزا مهدی اصفهانی» و ۱۱مین‌گونه می‌شناسند
احیاگر ساده‌زیست حوزه خراسان



رضا سلیمان نوری ا حوزه علمیه مشهد در طول سالیان بسیار عمرش شخصیت‌های بزرگی را به خود دیده است. میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی خراسانی مشهور به میرزای اصفهانی یا میرزا مهدی اصفهانی یکی از این افراد است؛ مردی که سال ۱۲۶۵ خورشیدی در اصفهان به دنیا آمد و در اواخر آبان ۱۳۲۵ خورشیدی در مشهد درگذشت اما تا امروز تأثیرش بر حوزه مشهد احساس می‌شود؛ تأثیری که نشئت گرفته از پرورش شاگردان گران‌مایه‌ای چون آیات عظام سید صدرالدین صدر، محمدکاظم مهدوی دامغانی، مجتبی قزوینی، هاشم قزوینی، سیدعلی سیستانی، سیدجواد خامنه‌ای، میرزا حسنعلی مروارید، حسین وحید خراسانی، علی‌اکبر نوقانی، حسینعلی راشدو... و تأسیس روش فکری نوینی در سطح حوزه‌های علمیه جهان تشیع با نام مکتب معارف اهل بیت^ع موسوم به مکتب خراسان یا مکتب تفکیک است. وی مانند همه افراد دارای اندیشه علاوه بر موافقان بسیار، مخالفانی هم داشته است و دارد.

- حوزه مشهد را منقلب کرد

آیت... العظمی حسین وحید خراسانی، مرجع تقلید مشهدی مقیم قم، یکی از شاگردان شناخته‌شده مرحوم میرزای اصفهانی است. او از استاد خود این‌گونه یاد کرده است: «میرزا کسی است که وقتی وارد مشهد شد، حوزه مشهد را منقلب کرد. یعنی همه فضلاء مشهد محصول آقامیرزا مهدی هستند. برای اینکه در مشهد درس فقط درس (آقا میرزا محمد) آقا زاده بود. البته من خودم آن‌وقت درس آقا زاده را در کلاس نمی‌دادم. چون ستم مقتضی نبود. میرزا حرف‌های نااینبی را آورد. در آن وقت تقریرات نااینبی چاپ نشده بود و این حرف‌ها را میرزا طرح کرد. فضلاء مشهد هم از میرزا می‌گرفتند و می‌بردند پیش آقا زاده و او هم شروع می‌کرد به نقد و ابرام. حوزه مشهد آن‌وقت به جایی رسید که بلائلام هر که از مشهد می‌رفت نجف گل می‌کرد.»

- جامعیت عجیبی داشت

دکتر احمد مهدوی دامغانی از چهره‌های برجسته حوزه و دانشگاه که هم خود و هم پدرش مرحوم آیت... شیخ کاظم مهدوی دامغانی در درس میرزا مهدی اصفهانی حاضر شده، نیز در توصیف استاد خود گفته است: «مرحوم آقای میرزا... در مجموع چهره‌ای بسیار زیبا و جذاب داشت که در آن سلطنت علمی و مهابت روحانی و عزت قدسی ایشان متجلی بود و به اصطلاح فرنگی که این ایام در ایران هم رایج شده است، از صورت و سیمای ایشان کاریزمای نافذ و قاهری ساطع بود. حضرت میرزا در سال‌های ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۵ قمری گاه صبح‌های جمعه به اصطلاح جلوس می‌فرمود و از کسانی که خد متشان می‌رسیدند با آب انجیر پذیرایی می‌کرد و این پذیرایی با آب انجیر برای همه کسانی که آن روز به یارزشان می‌آمدند، یکسان بود. مرحوم میرزا از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۶۵ قمری در حوزه مشهد تدریس خارج اصول داشت. ایشان از شاگردان برجسته میرزای نااینبی بود و احاطه کامل به نظرات ایشان داشت. قبل از اینکه مرحوم میرزا در مشهد درس خارج اصول را شروع کند و فضلا در این درس شرکت کنند سال‌ها در درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج‌اقاحسین قمی و میرزا محمد آقا زاده خراسانی شرکت کرده بود و به مبانی شیخ انصاری و آخوند خراسانی آشنا بود؛ ولی نظرات اصولی میرزای نااینبی برایش تازه بود که با خود به مشهد آورد. فضلا هم برای آشنایی با مبانی میرزای نااینبی و هم برای آشنایی بیشتر با ظرافت‌کاری‌های نظرات شیخ انصاری و آخوند خراسانی سال‌ها در درس خارج اصول میرزا شرکت می‌کردند.

- بسیار ساده‌زیست بود

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی‌فلسفی از دیگر شاگردان دروس اخلاق و معارف اسلامی میرزا مهدی اصفهانی، هم درباره ایشان گفته است: «آیت... العظمی میرزا مهدی اصفهانی از علمای بزرگ شیعه و از شخصیت‌های علمی و معنوی کم‌نظیر بود. حدود پنجاه الی شصت شاگرد برجسته و میرز داشت که به استادی همچون وی افتخار می‌کردند و از محضر علمی و معنوی ایشان استفاده می‌کردند. از جمله شاگردان ایشان می‌توان آیت... میرزا جوادا قاقا تهرانی، آیت... مروارید و آقای شیخ محمود حلبی را نام برد. آقای شیخ محمود حلبی از شاگردان خاص و نابغه ایشان بود. یک‌بار در یکی از مجالس سخنرانی آقای حاج شیخ محمود حلبی حاضر شدم. من به همراه آیت... میرزا مهدی اصفهانی شرکت کردم. ولی آقای حلبی تجلیل خاصی از میرزا نکرد و فقط به اینکه اصفهان چه اساتید و علمای برجسته و بزرگی دارد اکتفا نمود. بعد از منبر، از ایشان گلایه کردم که چرا از ایشان نام نبردید و تجلیل خاصی نکردید. ایشان گفت: «خود میرزا از من خواسته‌اند که در مجالسی که من حاضر می‌شوم از من نام نبرید و صلوات و... احترام خاصی نکنید. می‌خواهم عادی شرکت کنم و بروم. لذا من نمی‌توانستم تجلیل خاصی از ایشان بنمایم. چون ایشان راضی نیست.» مرحوم میرزا این‌گونه بود. با آن شخصیت علمی و معنوی برجسته این‌گونه بود. متواضع و باخلاص بود. نمی‌خواست برای خود موقعیتی خاصی در بین مردم ایجاد کند. شهرت‌گریز بود و از مطرح کردن خود در جامعه خودداری می‌کرد. خب جاه و مقام و شهرت و... نداشت. دنبال ریاست پیدا نکردن و... نبود. نمی‌خواست مردم او را بشناسند و شهرتی پیدا کند و تجار و اعیان و ثروتمندان را به دنبال خود جمع نماید که اگر می‌خواست، زمینه‌برایش فراهم بود و از طریق شاگردان و... این کار به راحتی برایش میسر بود. ساده‌زیست بود. ساده ساده زندگی می‌کرد. رفت‌وآمدش هم ساده بود. تنهایی به این طرف و آن طرف می‌رفت. خودش به تنهایی خرید می‌کرد. به منبری‌های گفت که در منبرها از من نام نبرید و تجلیل خاصی نکنید. به مجالس امام حسین^ع خیلی علاقه نشان می‌داد و در این مجالس شرکت می‌کرد. به منبری‌ها تذکر می‌داد اخلاص را رعایت کنید. مرحوم میرزا خیلی به امام‌زمان^ع علاقه داشت. سراپا امام‌زمانی بود و نام و یاد حضرت همیشه در نظرش بود. طلاب را نیز توجه به امام‌زمان^ع می‌داد و به ذکر و یاد حضرتش توصیه می‌نمود.»

نکته،

هر خروار

معادل ۱۰۰ من

یا ۳۰۰ کیلوگرم

است

منبع،

کتاب تاریخ

اقتصادی

مشهد

(جلد۱) نوشته

علی‌نجف‌زاده

و جلیل

قصابان

گروه، مقالات

روزنامه

قدس و اخبار

خراسان در

مطبوعات

دوره قاجار

و پهلوی

به کوشش

سید مهدی

سید قطبی